

نمیشود

هم افتخار کنید آریایی هستیم

هم مسلمان باشید

بیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۹۱ کانون خردمداری ایرانیان
سال شانزدهم - آذر ماه ۲۵۷۵ برابر ۱۳۹۵ تحمیلی

نمیشود

هم دوستدار کورش باشید

هم عاشق امام حسین

آزار جنسی کودکان در میان اهل ایمان

در این شماره برگی از کتاب پر ورق کارهای شنیع ملایان، قاریان، مداحان و بالاتری ها، از صدر اسلام

ویژه نامه‌ی حاج سعید توسی قاری قرآن نور چشم رهبر ایران و معلم قرآن بچه های بیگناه مسلمان

سیاوش لشگری

ریشه‌یابی فساد اخلاقی در میان دینداران

پنج سال پیش در ایران به دلیل شکایت والدین سه جوان (بعداً گفته شد تا ۱۹ نفر بوده‌اند) که مورد تعرض و تجاوز جنسی به دست معلم قرآن خود قرار گرفته بودند پرونده‌ای تشکیل می‌شود که با دخالت و نفوذ رهبر جمهوری اسلامی، آن پرونده تا به امروز مسکوت می‌ماند. شاکیان به ناچار موضوع را به رسانه‌های ایرانی بیرون از کشور می‌کشاند و همگان را از جزئیات ماجرا آگاه می‌کنند و معلوم می‌شود شخص متعرض به جوانانی که بین ۱۱ تا ۱۴ سال داشته‌اند کسی است بنام حاج محمد گندم نژاد توسی مشهور به سعید توسی ۴۶ ساله که یکی از برجسته‌ترین قاریان قرآن و نزدیکان بیت رهبری و خود خامنه‌ای است. حاج سعید توسی کارشناس مسئول نوجوانان جامعه قرآنی در شورای عالی قرآنی است و کارمند صدا و سیما جمهوری اسلامی.

مانده در رویه‌ی ۳

پس از کشف فساد های اقتصادی و سیاسی

دکتر محمدعلی مهر آسا

اسلام و لواط شرعی

آیا در دین اسلام الله بچه بازی حرام نیست و برعکس مستحب است؟! باید مقام رهبری فتوا دهد.

لواط در اسلام گویا کاری شرعی است و همراه انجام وظایف دینی از آن جمله تدریس قرآن و خواندن نماز و گرفتن روزه و سفر حج و.... این کار خدایی نیز عملی مستحب و شاید واجب شرعی باشد. به همین علت ها بود که مأموران گمرک عربستان سعودی نیز حاجیان نوجوان ایرانی را در فرودگاه جده مورد لطف و عنایت الهی قرار دادند که خبرش جهانی شد.

سایت فیس بوک ایرانی‌ها پُر است از کار نیک و خداپسندانه‌ای که یک معلم و قاری قرآن مورد محبت و لطف و کرم رهبر حکومت اسلامی ولایت مطلقه فقیه در مورد نوجوانان راغب به یادگیری قرآن انجام داده است. این قاری و مدرس یادگیری قرآن یعنی (کتاب جفنگ و مهمل خدای محمد)، نامش سعید توسی است که قرآن را درست با صوت خوش

اسلام و لواط شرعی! از رویه‌ی نخست

قاریان می‌خوانند و در ضمن کلاس یادگیری و قرائت این کتاب مهمل را نیز برای اخذ پول و درآمد باز کرده است. ولی با یک تیر دو نشان زده است که مطمئن ولی فقیه مسلمین یعنی خامنه‌ای کذاب و کثافت نیز نه تنها خود او بل اینگونه کارهایش را نیز تأیید و توشیح می‌کند. این آخوند بی لباس که عکس‌های بسیار با خامنه‌ای پلید دارد و چند بار با او نیز معانقه ای جانانه کرده است، مدت پنج سال است گروهی از نوجوانان ایران را ضمن تعلیم یادگیری قرآن و نوع قرائت آن، مورد لطف و محبت میان پای خویش قرار داده و این نوجوانان را که والدین احمقشان آنان را برای یادگیری مشتی جفنگ به دست این گرگ سپرده‌اند، فاحشه تصور کرده و با آنان مرتب مشغول عمل شرعی لواط بوده است. یکی از بچه‌ها موضوع را با پدر و مادر در میان می‌گذارد خانواده‌ی این نوجوان گویا به سایت بی بی سی فارسی زنگ می‌زند و ماقع را گزارش می‌دهد و صدای امریکا نیز مطلع شده و موضوع را خوب و برجسته بر ملا می‌کنند. حقا مردم روشنفکر نیز خوب واکنشی نشان دادند و موضوع را در فیس بوک به عناوین مختلف به چشم و گوش جهانیان رساندند. با اینکه کار به شدت قبیح و وقیح است، اما شگفتزده نباید شد. زیرا دین اسلام دین چنین کارهایی است. به قول ایرج میرزا روشنفکر عصر قاجار که سروده است:

که یارب بچه‌بازی خود چه کار است

که بروی عارف و عامی دچار است!

بعد می‌گوید:

که تا این قوم دریند حجابند گرفتار همین شیئی عجباند
حجاب دختران ماه غبغب پسرها را کند هم‌خواه‌ی شب

و.....

من بر این گمانم که شیخ سعید توسی قاری قرآن بیت رهبری و مورد عنایت تمام آیات عظام نظام اسلامی نیز به چنگ همسری از همین گونه زنان خود پیچیده و رو گرفته و حجاب و نقاب‌دار افتاده است که از بوی گند مسلمانی‌اش قاری قرآن بیت رهبری نیز به عذاب است؛ و ترجیح می‌دهد که شهوت خود را با نوجوانان طلبه‌ی قرآن و قرائت کتاب آسمانی اطفأ نماید و با عفریته‌ای که پدر و مادر چون خود قشری‌اش به ناف او بسته‌اند، از نظر جنسی قاطی نشود.

اما گویا قاری سعید توسی همان کار قوم لوط را که قرآن برایش سوره نوشته است به انجام رسانده و کاری دینی و خدایی انجام داده است. دیدید که مقام معظم رهبری یعنی خامنه‌ای نیز دستور داد که کوتاه آیند.

در قرآن سوره‌ای وجود دارد به نام «لوط» و می‌دانیم معنای این لغت عربی چیزی نیست جز بچه‌بازی! وقتی محمد شرم نمی‌کند و خجالت نمی‌کشد و شرح حال قوم لواط‌کار لوط را سوره‌ی

قرآنش می‌کند، بدیهی است حاج سعید توسی نیز که این همه قرآن می‌خواند بر این سوره واقف است و هر روز یک بار خود را یکی از افراد آن قوم تصور کرده و بچه‌های نوجوان معصوم را همان فرشتگان به حساب آورده و به گمان خود و اربابش خامنه‌ای، کاری خدایی و خداپسندانه کرده‌است که پاداش جهنم ندارد. قرآن نام پیامبر این قوم را «لوط» یعنی بچه‌باز نوشته است! و یکی از اعجوبات کلام الله است.

در قرآن در سوره لوط نوشته است که لوط پیامبر خدا بود و قومی را رهبری می‌کرد. اما این قوم همچنان که از نام پیغمبرش معلوم است، قومی بچه‌باز بودند. قرآن نیز به این سوره بسیار چاشنی افزوده تا خوشمزه شود. و می‌نویسد فرشتگان آسمانی آمدند پیش لوط پیامبر؛ برای چه کاری این را تنها الله و لوط می‌دانند؛ و محمد نیز بی خبر بوده است. ولی قوم لوط چون خوشگلی و سفید رویی و لپهای گلگون این فرشتگان را دیدند پا در یک کفش کردند که ما باید با اینها درآمی‌زیم. هرچه لوط خواهش کرد که دست از این تصمیم بردارید کارگر نیافتاد؛ و حتا پیشنهاد کرد من خود دختران خوشگل و زیبا رو دارم و آنان را در اختیارتان می‌گذارم!! قوم به خرجش نرفت. لابد خواسته‌اند کاری کنند اما بور و خیط شده‌اند و این قسمت را دیگر قرآن نمی‌نویسد. چرا خیط شده‌اند؟ چون قرآن مهملات است و به واقعیات نه آگاه است و نه کاری دارد.

زیرا طبق روایات دینی فرشتگان غذا نمی‌خورند؛ اعمال جنسی انجام نمی‌دهند؛ و مانند آدمی نیستند. در نتیجه دستگاه گوارش و آلات تناسلی و به تبع آن عضوی به نام مقعد برای لواط کاران ندارند. اما مسخره اینجا است که نه لوط پیامبر از این موضوع مطلع است و نه محمد عرب شیفته جماع.... این مهم را می‌داند که کتابش را به آن زینت داده است! چون داستان وقتی دروغ بود، نویسنده در پی درست و نادرست بودن هدف و گفته‌اش نیست. آری حاج سعید توسی مدرس چنین کتابی بوده است؛ و لابد دیگر شرایط نیز برایش مهیا بوده و ترسی نیز از دادگستری و دادخواهی بعدی نداشته است. چون پشتیبانش مقام ولایت بوده است که جانشین خداست. پس با پشتگرمی به حمایت نماینده الله گوینده قرآن، این ثوابها را انجام داده است که اجرش پیش خدا محفوظ است. بنابراین کار حاج آقا سعید توسی نیز کار خدایی تلقی می‌شود. هورا...

بدبخت ملتی که سرنوشت خود را به دست چنین وحشیانی داد و مدتهاست دارد نتیجه‌اش را می‌گیرد. اما ملتی که طبق نوشته روزنامه‌های خودشان، ۲۰ میلیون نفرش برای گرفتن ویزای رفتن به کربلا در روز چهلم حسین پسر علی نام نویسی کرده‌اند، بینشان امثال حاج سعید توسی کم نیست! این ملت طبق شریعت شیعه هرگونه فسادی را می‌توانند مرتکب شوند؛ تنها باید در روز عاشورا گریه کنند و گل به سر بمالند و زنجیر بر پشت بکوبند تا الله موهوم آنان را ببخشد و جهنم را بر رویشان ببندد!

ریشه‌یابی فساد اخلاقی

مانده از رویه‌ی نخست

اینک فساد اخلاقی و فرهنگی در میان سران و رهبران حکومت دینی و اسلامی از پرده برون افتاده و همه با سخن از «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند» بر سر زبانهاست.

به سابقه و تاریخچه اینگونه فساد بیش‌رمانه بین این قوم ذاتاً متجاوز نگاهی گذرا می‌افکنیم تا ببینیم این ماجرا از چه روزی و از چه کسی در این دین آغاز شده‌است. دینی که پرورنده‌ای سیاه از زنا‌بارگی، لواط، محلل بازی، حلال بودن هم‌خوا‌بگی با زانی که شوهران شان در جنگ کشته می‌شوند، آزادی داشتن زنان متعدد در شکل عقدی و صیغه، و..... و دارد.

در بحار الانوار جلد ۵۶ ص ۲۰۹ آمده است: بنا بر نقل تاریخ نویسان «دحیه کلبی» جوانی بود بسیار زیبا و خوش رو که به نزد پیامبر می‌آمد. بنا بر درخواست پیامبر از خداوند گاهی جبرئیل به شکل دحیه کلبی بر رسول خدا نازل می‌شد!! این بود که برخی اوقات مردم امین وحی خدا جبرئیل را با دحیه کلبی اشتباه می‌گرفتند.

در کتاب شیعه‌گری و امام زمان دکتر مسعود انصاری آمده: دحیه به اندازه‌ای زیبا رو بود که در بین اعراب ضرب‌المثل بود. به گفته مسلمانان برخی اوقات جبرئیل به شکل دحیه کلبی بر محمد ابن عبدالله ظاهر می‌شد، جبرئیل تنها دوبار به صورت اصلی خود بر پیامبر نمودار شد یکی در شب مبعث و دیگری در شب معراج در بقیه موارد به شکل دحیه کلبی بر آن حضرت وارد می‌شد (و مدتی را که مثلاً برای وحی بود تنها با او می‌گذراند).

بحار الانوار جلد ۱۸ ص ۲۷ آمده است: پیامبر اسلام به اصحاب خود گفته بود که هر وقت دیدید دحیه پیش من است بر من داخل نشوید، چون ممکن است جبرئیل باشد. ولی حضرت علی مستثنی بود و آن حضرت حتا اگر دحیه بود هم وارد می‌شد.

ویکی پدیا می‌نویسد به گفته پیروان اسلام، جبرئیل گاهی به صورت واقعی خود (فرشته) و گاهی به شکل جوانی خوشرو به نام دحیه کلبی نزد محمد می‌آمد، او در شب معراج همسفر محمد بود.

آری ازدواج محمد ۵۳ ساله با دختر ۹ ساله و داشتن پسر بچه‌ای بنام دحیه کلبی مبنای تجاوز به بچه‌ها شد. با کاری که این پیامبر خدا کرد قبح این کار زشت از میان رفت و از آن تاریخ به بعد تجاوز مردان نکره به دختر و پسر بچه‌های ضعیف و بی‌پناه در کشورهای اسلامی مانند افغانستان و عربستان و ایران به صورت عادی درآمد. فساد مغزی در شخص خمینی که می‌نویسد: انجام عمل جنسی با طفل شیرخوار اشکالی ندارد

به شکلی که به مجاری بدن بچه آسیبی نرسد اثر کارهایی است که پیشروان و پیشگامان فکری خمینی تا بخود حضرت پیامبر که مخترع و مکتشف این نوع خشونت‌های جنسی بود انجام می‌شده و برای مسلمانان چیز غیر عادی و غیرانسانی نیست.

این فساد اندیشه‌نه‌تنها در میان مسلمانان و آخوندهای ما که در میان کشیش‌ها و کاردینال‌های مسیحی و سایر مردان مذهبی در ادیان دیگر نیز دیده می‌شود. تجاوز به بچه‌ها جزو مجموعه دین و دینداری به حساب می‌آید و نه تنها ایرادی ندارد و مذموم دین آنها نیست که ثواب هم دارد!!

حتماً نام لوط را شنیده‌اید، این نام ۲۷ بار در قرآن آمده است، لوط برادر زاده ابراهیم است و براساس گفته قرآن در سوره عنکبوت ۲۸ و ۲۹ - اعراف ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ لوط از انبیای الهی است، قوم لوط بخاطر انجام لواط مشهور گشته و آنها بطور گسترده به همجنس‌گرایی روی آورده بودند.

در شرح غلمان‌ها یا غلام بچه‌ها که مورد استفاده جنسی مردان قرار می‌گیرند در قرآن کریم آمده است:

آیه‌های ۱۷ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۳ سوره واقعه: نوجوانان با قدح‌ها و پارچ‌های شراب دور مردان می‌گردند شرابی که از نوشیدن آن سر درد نمی‌گیرند و مست هم نمی‌شوند و حوریان سیاه چشم که مثل مروارید در صدف هستند و آنها را دوشیزه (باکره) ساخته‌ایم -

آیه ۳۷ سوره قمر: آنها خواستند با مهمانان لوط رابطه جنسی داشته باشند ما چشمشانرا کور کردیم!

آیه ۵۵ سوره الرحمن: منکر کدام یک از نعمت‌های خداوند می‌شوید، در آنجا دختران با حیایی هستند که هیچ انس و جنی لمسشان نکرده است، آنها چون یاقوت مرجانند که بر بالش‌های سبز و بسترهای زیبا تکیه زده‌اند (دقیقاً شرح اتاق یک روسپی خانه)

«و یطوف علیهم ولدان مخلدون اذا رایتهم حسبتهم لولوا منشورا» سوره انسان آیه ۱۹ - معنی: و پسرانی زیبا و خوش سیمای در اطراف آنها (مردان بهشتی) به خدمتند. وقتی در آنها بنگری گمان بری که مروارید پراکنده‌اند.

(این چه اصراری است در قرآن که این پسر بچه‌ها زیبا رو هستند، مگر همه مردان بهشتی از جنس موافق لذت می‌برند؟)

آیه ۲۲ تا ۲۴ - سوره طور - در بهشت برای مومنان هر نوع میوه و گوشت آماده می‌کنیم، آنها جام شراب را سریع از همدیگر می‌گیرند و جدال و منازعه می‌کنند، و پسرانی زیبارو مانند لوء لوء مکنون برای خدمت به آنان هستند.....

به این ترتیب می‌بینیم که این ماجرای تجاوز به بچه‌ها بطور سلسله مراتب در میان این قشر فاسد همواره ادامه داشته است و

حسین رحیمی - تهران

فهم متری چند؟

میلیونها متر پارچه سیاه از چین خریدند تا در اربعین به در و دیوار کشور آویزان کنند و رویش بنویسند «باز این چه شورشی است که در خلق آدم است!!» «لیک یا امام حسین».... با این مقدار پارچه می شد برای تمام فقرای ایران لباس دوخت که در زمستان امسال تنشانش کنند. با زحمت زیاد روی این همه پارچه می نویسند و نقش می زنند و با زحمت بیشتر این ها را به در و دیوار و تیر و درخت می آویزند و چند روز بعد با زحمت زیاد تر آنها را پایین می آورند، یک هفته کشور بکل تعطیل بود، و چین تعطیل نبود برای ما میلیونها متر پارچه سیاه دیگر تولید کرد که سال بعد از آنها بخریم. من نمی دانم چرا امام حسین عوض، عوض دادن به ایرانی ها برای این همه خ.... مالی، فکر پارچه بافان چینی کافر است، آنها را ثروتمند کرده و ما عاشقانش را به فقر و فحشا انداخته است. یکی می گفت اگر حسین می توانست مردم کشور خودش را نجات می داد هیچگاه خونریزی در کشورش قطع نمی شود. ای هم میهنان نازنین، حسین در زنده بودنش چه بود و چه کرد که استخوانهای پودر شده اش کاری بکند. شما که التماس مادر پیرتان را برای خرید نان از سر کوچه به زمین می اندازید چطور سدها فرسنگ پای پیاده راهی کربلا می شوید؟ عربها خودشان فهمیدند که از این بتکده ها و امامان سودی جز بدبختی نصیبشان نمی شود، ما نفهمیدیم.

اعترافی صریح اما تکان دهنده

روح اله حسینیان آخوند شیاد و بی سوادى که از الاغ سواری به بنز ضد گلوله رسیده است با انتقاد از یک آخوند دیگر، هاشمی رفسنجانی که سخن از ساختن ایران زده بود، می گوید «ما انقلاب نکردیم که ایران را آباد کنیم، فرض کنید ایرانی مانند ژاپن ساختید، در انتها چه نتیجه ای حاصل می شود؟ انقلاب اسلامی حرف دیگری است، اگر قرار به ساختن و آباد کردن بود که شاه بهتر از ما می توانست ایران را آباد کند، ما هدفمان چیز دیگری بود، انقلاب کردیم تا معنویت و دین داشته باشیم، ما با ابرقدرتهای جهانی سر جنگ داریم....» - ای بشیرف های دروغگو.

آخوند دیگری به نام علم الهدی هم دیروز گفت، عده ای فکر می کنند ما شهید دادیم تا مملکت گل و بلبل شود!

سعید توسی فرزند خلف همین آخوندهاست که آموزه های خود را به بچه ها منتقل می کند، اینگونه افراد بیشترشان در کوچکی خود مورد تجاوز قرار گرفته اند که خود به متجاوز بی شرمی تبدیل می شوند و در مساجد و تکیه ها و مدارس مذهبی با دیدن کودکان خردسال و نوجوان بیماری شان عود می کند و به حیل گوناگون به آنها دست اندازی می کنند، همین دیروز گزارشی بیرون آمد از داستان آزارهای جنسی در حوزه های علمیه، گزارش بسیار مفصل و طولانی است به نکته هایی از آن می پردازیم:

یکی از روحانیون در گفتگو با «ایران ویر» اذعان داشت اوایل دهه ی شصت شاهد سنگسار و اعدام چند روحانی در قم به اتهام تجاوز و زنا بوده است. در این باره برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر با چند چهره در حوزه علمیه قم تماس گرفتیم که همه آنها حاضر نشدند با نام واقعی خود گفتگو کنند. بیشتر آنها گفتند بین حوزه علمیه با سربازخانه ها فرقی وجود ندارد و آزار جنسی، تجاوز یا حتا رابطه جنسی میان دو هم جنس می تواند اتفاق بیفتد که نه مساله ای جدید است نه خارق العاده. البته در زمان ورود طلبه های جوان به حوزه همدارهایی در مورد رابطه با طلبه های قدیمی تر و رده بالا داده می شود. و دو نهاد کنترل و ناظر وجود دارد، دادگاه ویژه روحانیت و معاونت تهذیب حوزه. دادگاه ویژه روحانیت قس القلب تر و رعب آورتر از دادگاههای معمولی عمل می کند، در این دادگاه هیئت منصفه وجود ندارد، متهمان حق تجدید نظر خواهی و داشتن وکیل ندارند. در خصوص مقام های مذهبی که روحانی نیستند بسیج وارد عمل می شود مانند مداحان و قاریان قرآن. در سابقه اعلام شده جمهوری اسلامی دو تن از روحانیون مشهور به اتهام های جنسی در دهه ۶۰ اعدام شده اند که در خاطرات منتظری به اسامی آنها اشاره شده است امید نجف آبادی و عبدالرضا حجازی به جرم لواط و زنا با زن شوهردار اعدام شدند.

موسا برزین وکیل دادگستری در مورد سعید توسی می گوید آزار جنسی در پرونده سعید توسی با توجه به قوانین ایران قابل اثبات نیست و پرونده مختومه خواهد شد چون عامل تجاوز باید چهار بار به جرم خود اعتراف کند یا اینکه چهار شاهد در محل وقوع جرم بوده باشند و دقیقاً شاهد دخول باشند. در ایران آماری از میزان آزار جنسی در حوزه های علمیه وجود ندارد و تاکنون به جز پرونده سعید توسی که تجاوز شدگان حاضر به افشای موضوع شده اند، کسی حاضر به افشای تجاوز به خود نشده است. طبق همین گزارش، در قوانین جمهوری اسلامی به ولی فقیه و نمایندگان او اجازه داده شده است مجرمی را که جرمش ثابت هم شده باشد بنا به مصلحت بالاتری شخص را عفو کنند، چون مصلحت نظام از اوجب واجبات است.

دکتر دانا شیرازی

رسوایی تازه

رسوایی تازه در خانه رهبر جمهوری اسلامی که خواننده قرآن مورد علاقه علی خامنه‌ای کودکان ۱۰-۱۲ ساله را مورد آزار جنسی و تجاوز قرار داده است حکایت «هردم از این باغ بری میرسد» را در ذهن تازه کرده است.

نخست باید تعریفی از هم جنس بازی و بچه بازی و تجاوز جنسی به درستی انجام داد.

هم جنس بازی بین دو انسان بزرگ سال و با رضایت و دوستی هر دو نفر انجام و در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته شده و تا آنجا که آنها می‌توانند بگونه‌ای قانونی «همسر» یکدیگر شوند.

بچه بازی یک نیاز جنسی مردان است که بخاطر ارضای خود از کودکان سودجویی می‌کنند و با وجود اینکه بسیار کار زشتی است ولی تنها بین محرومین جنسی است که بخاطر ارضای خود، کاری غیرقانونی و غیراخلاقی انجام می‌دهند تجاوز جنسی و به‌ویژه اگر قربانی این تجاوز کودکان باشند در هر صورت بسیار زننده و در تمام دنیا جرم حساب می‌شود و این گونه متجاوزها در تمام دنیا مجازات می‌شوند و در جمهوری اسلامی برای این گونه جرم مجازات اعدام قرار داده شده است. این مجازات اعدام بهانه‌ای شده است که حکومت آخوندی ایران مخالفین سیاسی خود را زیر شکنجه‌های وحشیانه ناچار می‌کنند که در تلویزیون اقرار کنند که مرتکب لواط شده‌اند. شادروان سعیدی سیرجانی و یک پزشک جراح شیرازی که هر دو مخالفین سیاسی رژیم بودند با همین ترفند بی‌شرمانه اعدام شدند (سعیدی سیرجانی را بخاطر محبوبیتی که بین مردم داشت اعلام کردند که با سکنه قلبی مُرده است).

ولی اگر این مرتکب تجاوز جنسی در خانه خامنه‌ای باشد و با او رابطه داشته باشد از مجازات معاف است.

چند نکته در این رابطه روشن است:

۱- مجرم «توسی» دوست خامنه‌ای که ممکن است روابطی با خود خامنه‌ای داشته باشد دست کم دوبار اقرار به ارتکاب جرم کرده و توبه نامه نوشته و هر دو بار توبه احمقانه خود را شکسته است.

۲- گفته‌های او ضبط شده و چندین بار خودش در تلفن به جرم خود اقرار نموده و جای هیچگونه تردیدی باقی نگذاشته است و تنها زمانی که متوجه شده که جای انکار نیست ناچار به توبه روی آورده است

۳- با وجود مدارک بدون هیچ تردید و رای دادگاههای آخوندی بر پایه‌ی دستور مستقیم خامنه‌ای که خود شریک جرم است به آخوند لاریجانی که تنها به خاطر بستگی فامیلی به خامنه‌ای بدون هیچ صلاحیتی رییس قوه قضائیه شده است با بی‌شرمی تمام پرونده این جنایتکار جنسی را ماست مالی کرده است.

۴- گروهی که در شرایط خفقان رژیم آخوندی شهادت آنرا داشته‌اند که به‌گونه‌ای رسمی و قانونی از این نوجه خامنه‌ای به دادگاه شکایت کنند بارها تهدید به مرگ شده‌اند و دادگستری آخوندی برای مدت زمانی پرونده را دزدیده و به شاکیان پاسخی نداده است.

۵- فساد جنسی در حوزه‌های آخوندی سالهاست مورد گفتگوست در سالهای ۱۹۸۰ زمانی که ویروس و بیماری AIDS بین هم جنس بازان شایع شد و همه براین باور نادرست بودند که این بیماری نتیجه هم جنس بازی است یکی از آخوندهای سرشناس گفته بود این توطئه غربی هاست که می‌خواهند فیضیه قم را تعطیل کنند! این آخوند براین باور بود که سالهاست که در فیضیه قم هم جنس بازی یک کار عادی است و بیماری یاد شده در اینجا پیدا نشده است و ارتباط هم جنس بازی با بیماری AIDS را نادرست خواند که بدون تردید با برهان نادرست به نتیجه درستی رسیده بود.

۶- هم جنس بازی و بچه‌بازی و کودک آزاری از کارهای عادی و روزمره این آخوندها و طلبه‌هاست - تردیدی نیست که در بین کشیش‌ها نیز این کار رایج است تنها تفاوتی که آخوندها و کشیش‌ها دارند اینست که در کشورهای غربی ماست مالی پرونده‌ها به آسانی سیستم آخوندی نیست و از سویی بیشتر آخوندها خودشان آلوده‌اند و برای پیش‌گیری از رسوایی خودشان ناچارند بهر قیمتی شده از پخش خبرهای مربوط به آلودگی هم پالکیهای شان جلوگیری کنند.

خدا یعنی مشورت

آخوندها دین دارند، ولی ایمان ندارند.

هنگامی که این مومن‌ها از خدا نمی‌ترسند ما چرابترسیم!

آنها که به بچه‌ها تجاوز می‌کنند، بیشترشان خود در بچگی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. - یک روانشناس

خبر خوش

خوانندگان قدیمی بیداری با مقاله‌های سیامک مهر (پور شجری) آشنا هستند. در سال ۱۳۸۹ شش سال پیش ناگهان شنیدیم حکومت ایران سیامک را دستگیر کرده است تا این که هفته پیش خبر فرار او را از ایران شنیدیم. به هر شکلی بود او را در ترکیه پیدا کردیم و از او خواستیم به‌طور خلاصه بگوید ماجرا چگونه رخ داد و چه بر او گذشت. سیامک مهر نوشته: من در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ با هجوم مأموران وزارت اطلاعات به منزل شخصی‌ام در کرج بازداشت شدم، پس از روزها و هفته‌ها بازجویی و ضرب و شتم و شکنجه پرونده‌ای به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و توهین به مقدسات و مقام رهبری و ارتباط با عناصر ضد انقلاب بر اساس مقاله‌هایم مرا به چهار سال حبس محکوم کردند. پس از تحمل چهار سال زندان آزاد شدم اما ۳۸ روز بعد دوباره در شهر ارومیه دستگیر شدم و به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به دادسرای انقلاب کرج فرستاده شدم که دوباره به یکسال حبس و دو سال تبعید به شهر یزد و مصادره اموال محکوم شدم در تاریخ ۹ آبان ۹۴ پس از یکسال و چهل روز زندان مرا به تبعید فرستادند، من پس از ۵ ماه که در تبعید بودم از آنجا گریختم و سیزدهم فروردین ۹۵ هشت ماه پیش وارد ترکیه شدم و از آن روز تا بحال منتظرم تا UN مرا به سوئد بفرستد. خبر رهایی سیامک مهر را به دوستان آزادان آزادی و خود و خانواده‌اش شادباش می‌گوییم. از شماره آینده نوشته‌های سیامک را خواهیم داشت.

طنز تلخ

* خدای را سپاس که نه سفر مکه را نصیب کرد و نه فضیلت شرکت در جلسات و کلاسهای قرآنی را. اگر دلی گرفته دارم و پای خسته، دستکم جای دیگرم سالم است. عبید زاکانی

* درخواست از رهبر، اگر ممکن است توسی‌ها را زیاد کنید که کار کسانی که بچه‌هایشان را به کلاس قرآن می‌فرستند زودتر راه بیفتند.

* روحانی اقتصاد مردم را درست کرد و طوسی معنویات مردم را، چیزی که خمینی قولش را داده بود. شهرزاد

* از این پس برای نفرین کردن بجای واگذار کردن به قرآن به قاریان قرآن واگذار کنید، زودتر جواب می‌دهد. مرتضا

* خواجه نصیرالدین توسی به خواب کسی آمده و گفته من هیچ ارتباطی با سعید توسی ندارم، نام اصلی او محمد گندم نژاد است. این مردیکه توسی ما را هم آلوده کرده!

محمد نوریزاد - ایران

ارتباط ایرانی نبودن خامنه‌ای و لواط‌کاران

من یک احساس همینجوری دارم که یک چیزهایی به من نشان می‌دهد، که یک ارتباط قوی باید باشد میان حنجره‌های فحاش (خامنه‌ای) و فریب‌گستر بعضی‌ها با مداحان و قاریان قرآن از یکسوی و بقای نظام از سوی دیگر. از سوی دیگر یک ارتباطی هم پیدا کرده‌ام لواط‌گری یک قاری لواط‌گراز یکسو و ایرانی‌الاصل نبودن رهبری که حتماً باید طبق قانون ایرانی باشد و نیست (در اینجا محمد نوریزاد کپی شناسنامه خامنه‌ای را گذاشته که در آن محل تولد پدر خامنه‌ای را نجف نشان می‌دهد). اگر این ارتباط نبود، تکلیف پرونده‌ی این قاری لواط‌گر خیلی پیش از این‌ها روشن شده بود مانند اشاره رهبر در مورد جلال‌الدین فارسی قاتل که از حکم قصاص و اعدام برهد، صرفاً بخاطر رفاقتی که میان آن دو بوده.... شما امتدادش را تا هرکجای نظام مقدس رد بگیرید می‌بینید. ایرانی نبودن یعنی این که اگر جلال‌الدین فارسی بخاطر این که پدرش افغانی بود از گردونه‌ی رئیس‌جمهور شدن کنار گذاشته شد، آقای خامنه‌ای تو که پدرت در نجف به دنیا آمده پس مطلقاً ایرانی نیستی چطور به رهبری کشوری که نامش ایران است رسیدی و به این کشور به چشم یک غنیمت غلمانی مینگری. ما عجب مردم ملنگی بوده و هستیم با این خماری که هر تازه‌واردی بتواند بیاید و کاره‌ای در سرزمین ما بشود و بر پشتمان بار نهد و قاری قرآنش با پشت فرزندانمان آن کند و دادستانش در کهریزک آن کند و عربستانی‌ها در فرودگاهشان آن.

پیامبران و امامان و اولیا که شهوتشان به شعورشان غالب شود مقدس می‌گردند و این یک معجزه است.
امیر آندری نیا

به رادیو مانی، رادیو انتقادی، سیاسی، فرهنگی
و روشنگری گوش کنید www.Radiomani.com

حاج آقا توسی مومنی که مو به مو دستور قرآن را اجرا کرد، به چهارده معصوم پیوست!

اسلام و ناهنجاریهای جنسی در قرن معاصر

غیظ و غضب و خصومت این ناهنجاری‌ها را دو چندان تقویت کرده و در جامعه جامه‌ی شرعی بر تن آن می‌نماید تا همه به راحتی ناهنجاری جنسی خود را بروز دهند.

لذا تاریخ بشری به ما می‌آموزد که ناهنجاریهای جنسی همیشه در هر جامعه بشری وجود داشته و وجود خواهد داشت.

بحران ناهنجاریهای جنسی که امروزه در مملکت اسلامی ایران ما شاهد آن هستیم از بیت رهبری تا محله زاغه نشینان قصبات و دهات و حتی در صحن حرم امامان به خوبی و وضوح به چشم می‌خورد. در حالی که جامعه همان جامعه ایست که من در سن ۱۲ سالگی بدون اطلاع وارد منزل عمه خود نمی‌توانستم بشوم چون من یک مرد غریبه تلقی می‌شدم و می‌بایست من دوازده ساله به دخترهای عمه‌ام وقت کافی می‌دادم تا چادر سر کنند و سپس من می‌توانستم وارد منزل شوم. به عقیده من مردم در زمان حکومت پهلوی مسلمان‌تر بودند تا امروزه در ایران با انقلاب اسلامی. شکاف بین این دو مرحله متفاوت اجتماع را انقلاب اسلامی پُر می‌کند. بله انقلاب... این دو مرحله را از هم جدا می‌کند. انقلاب جامعه را منقلب می‌کند و بر عکس، انقلاب در جامعه بی‌ثباتی به بار می‌آورد بی‌ثباتی روانی و عدم اعتماد به همدیگر و ترس و نابسامانی از آینده و هزاران اغتشاش روانی دیگر شخصیت انسان‌ها را تغییر می‌دهد و چهارچوب اخلاقی بکلی از هم فرو می‌پاشد و دیواری برای حجب و شرم و حیا باقی نمی‌ماند و دزدی مانند هر کار دیگری رسمیت پیدا می‌کند و آن غریزه جنسی لذت بخش طبیعی نیز از چهارچوب اخلاقی خود خارج شده و به صورت هرج و مرج اجتماعی در می‌آید. به عقیده من آن زن فاحشه‌ای که در زمان حکومت پهلوی در شهرنو تهران سرویس جنسی ارائه می‌کرد بیشتر پابند شرم و حیا و نزاکت اخلاقی بود تا یک آیت‌الله بنام امروزه در تلویزیون دولتی به راحتی ناهنجاریهای جنسی را با همان زبان آخوندی خود از بالای منبر تبلیغ می‌کند و برای همکار خود در فلان دفتر صیغه مشتری می‌تراشد.

به نظر من اینمرض روانی اجتماعی جهانی شده و یک درمان دارد و درمانش در درون «خانه» است - بله خانه... خانه یعنی جایی که پدری محترم بر سر سفره می‌نشیند همسری مهربان به نام مادر با عشق و محبت خود رشته‌های محبت و عشق و وفا و صفا را بین افراد خانواده یک بیک می‌ریسد و می‌بافد و فرزندان با محبت و احترام و صفای روح و با شخصیت به جامعه خود هدیه می‌کند. تا آن زمان بودور که واردور

به عقیده من، تمایل جنسی یکی از خصایص طبیعی و غریزی هراسان و حیوان و حتی نباتات می‌باشد که برای تنازع بقاء نسل امریست ضروری که اتفاقاً لذت بخش نیز می‌باشد. البته واضح است که این غریزه جنسی هرچند که در طبیعت از صفت خوب و کارساز برخوردار است ولی اگر از چهارچوب اصولی خارج شود مانند هر چیز دیگری مخرب بوده و باعث فروپاشی جامعه انسانی می‌شود.

ناهنجاریهای جنسی، آنطوری که تاریخ نشان می‌دهد، رابطه مستقیم با مرام مذهبی ندارد و در گذشته آنچه را که ما امروزه در مملکت پُر آشوب اسلامی و حتی در بیت رهبری زیر پرچم الله مشاهده می‌کنیم در ادوار گذشته حتی قبل از ظهور اسلام نیز در جوامع انسانی رایج بود. شواهد بسیاری برای ثبوت این امر در تاریخ می‌توان یافت و در تورات حکایات شهرهای سودوم و قوماره را که بعلت فساد جنسی و اخلاقی از میان رفتند و مردمانش به نابودی سپرده شدند را می‌خوانیم. در همان شهر و همان زمان بود که برادرزاده ابراهیم لوط (بقول مسلمانان حضرت لوط) با دو دختر خود به بستر رفت و هر دو دخترهای خود را حامله نمود. در همان کتاب باز می‌خوانیم که پسران داود بر سر رابطه جنسی با خواهر خودشان با هم نزاع کردند و برادر بزرگتر برادر کوچک را به قتل رسانید و در همین زمان بود که خود داود با زن سربازی به بستر رفت و او را حامله نمود.

در یونان قدیم همجنس‌گرایی و فاحشه‌گری عملی بود هرچند غیرقانونی ولی بسیار رایج و قابل قبول جامعه. اسکندر مقدونی به همجنس‌گرایی نسبتاً شدید گرفتار بود. مردان هر خانواده حق داشتند حتی با اطلاع همسر خود با فاحشه‌ها که بنام «هیتانی تانی» معروف بودند هر روزه ساعاتی را باهم بگذرانند در حالی که همسر آن مردان حق خروج از خانه را بدون همراه یک فامیل ذکور نداشت و در اتاق بدون پنجره می‌بایست زندگی می‌کرد. رومیان نیز همجنس‌گرایی را عملی متعارف شناخته و مانند یونانیان هرچند که غیرقانونی بود ولی در قرن معاصر ما خود شاهدیم که در بین کشیش‌های مسیحی این قضیه بسیار رواج یافته حتی به واتیکان نیز کشیده شد. این قبیل آثارش جنسی زاینده‌ی یک نوع لجام‌گسیختگی روانی است که آن شخص به علل روانی، حرمتی به شرم و حیا و نزاکت اخلاقی ندارد و دچار یک طغیان اخلاقی می‌شود البته شرایط اجتماعی هم به او کمک می‌کند تا در این میدان بی‌بند و باری تاحدی که قدرت دارد تاخست و تاز نماید. اسلام که خود یک مذهبی است با اصول

برگردان محمد خوارزمی

پرویز مینویی

کودک آزاری در میان کشیشان

در سال ۲۰۰۲ بود که روزنامه «بوستون گلوب» گزارشی مبنی بر سو استفاده های جنسی از کودکان توسط کشیشان کاتولیک منتشر کرد. اگرچه پس از عبور از موانعی که اسقف اعظم بر سر راه گروه روزنامه نگاران پژوهشگر گذاشته بود و در همان زمان هم کلیسا توانسته بود مدارک بسیاری در این مورد را از بین ببرد مقابل ارتباط روزنامه نگاران با کشیش ها بایستد. هرچند در نهایت این گزارش منتشر شد و آسیب دیده های زیادی برای افشای آنچه بر سرشان آورده بودند جرأت گفتن و شهادت دادن پیدا کردند. در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۴ بالاخره واتیکان مدارکی مبنی بر آزار جنسی کودکان توسط مقام های مذهبی کلیسا به کمیته صیانت از حقوق کودکان سازمان ملل ارائه کرد که طبق آن پاپ بندیکت ۳۸۴ کشیش را در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ از مقام خود برکنار کرد. در ماه ژوئن امسال پاپ فرانسیس اعلام کرد سوء استفاده های جنسی از کودکان می تواند باعث خلع لباس حتما اسقف ها شود.

به این شکل می بینیم آزارهای جنسی در همه محیط های مذهبی همواره به وقوع می پیوندد و رؤسای این محیط های مذهبی از انتشار اخبار آن جلوگیری می کنند تا شاید قداست مذهب و مذهبیون را حفظ کنند. قابل توجه است که کشیشان کاتولیک حق ازدواج ندارند و در محیط های بسته زندگی می کنند و در میان شان وقوع آزار جنسی بسیار محتمل است.

**مردم دیگر می ترسند بچه هایشان
را حتا به مدرسه بفرستند.**

دکتر محمد ملکی - ایران

موش قرآن خوان به تله افتاد. رهبر در فکر بازکردنِ درِ تله است

ارثیه قوم لوط به انبیا و اولیا رسیده.

دوری از اسلام

سالها پیش به یکی از برنامه های زنده یاد فریدون فرخزاد رفتیم، او در روی صحنه بخشی از رساله خمینی را می خواند که اگر زلزله شود و مرد جوانی از بالا به طبقه دوم سقوط کند و روی عمه خودش بیفتد و دخول انجام شود بچه ی درست شده، حرامزاده نمی باشد! فرخزاد می گفت مشاهده کنید میزان بد فکری این طایفه آخوند و رهبران آنها را، که در همان لحظه که زلزله رخ می دهد. مرد خود را آماده و میزان کرده و دقیقاً می افتد جایی که باید بیفتد و هنگامی که طرفین می فهمند زلزله آمده است باز هم از هم دوری نمی کنند، بلکه ادامه می دهند تا به نتیجه برسند و احتمالاً بچه دار هم بشوند!

اگر به کتاب توضیح المسائل آقای خمینی مراجعه کنیم مطالب ضد و نقیض و عجیب و غریبی مشاهده می کنیم از جمله در شماره های ۲۶۲۷ تا ۲۶۳۲ می نویسد خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است و اگر کسی با آنها «وطی» کند یعنی نزدیکی جنسی نماید گوشت آنها حرام می شود و باید آن ها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگری بفروشند... اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند باید آن حیوان را بکشند و بسوزانند و «وطی» کننده باید پول آن را به صاحبش بدهد. یعنی عامل و کننده کار تنبیه نمی شود بلکه حیوان بی گناه باید سوزانده شود. پیامبر اسلام به جنگ آورانی که خمس یا اموال غارت شده را به او می دهند وعده رفتن به بهشت می دهد اگر در جنگ کشته شوند که در آنجا حوریان (دختران زیباروی) و غلمان (پسران جوان و زیباروی) منتظر آنها هستند. البته برای زنان جایزه ای در بهشت نیست، چون زنها در جنگ شرکت نمی کنند و غنیمت نمی آورند. لذا تجاوز به پسران در اسلام امری معمولی و جا افتاده است و اغلب از دوران طلبگی در حوزه ها آغاز می شود. هنگامی که در رسانه ها می خوانیم در پرونده تجاوز سعید توسی در پنج سال گذشته لاپوشانی کرده اند برای این است که همه آخوندها سر و ته از یک کرباس هستند «گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند». تنها راه نجات ملت ایران از این دینی که با شمشیر به ما تحمیل شده و برای رهایی از این کثافتکاریها، کناره گیری از اسلام است و بس.

**مدافع حقوق بشر، نرگس محمدی به ۱۶ سال زندان محکوم شد
متجاوز به جان بشر، سعید توسی آزاد راست راست راه می رود**

امیر فیض - حقوقدان

آقا حق دارد توسی را ببخشد!

اظهارات اخیر غلامحسین اژه‌ای معاون و سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی را در مورد اتهامات لواط به سعید توسی خواندم مطلبی را به یادم آورد که چون در رابطه با عمل سعید توسی است می‌تواند ضمیمه موضوع گردد.

در حدود هشتاد سال قبل در محله سرچشمه آخوندی پیشنماز بود که خیلی هم مورد احترام و مرجع حل و فصل اختلافات مردم محل شناخته میشد؛ آخوند مزبور که نامش کلباسی بود اتفاقاً شوهر یکی از عمه‌های ناتنی من هم محسوب می‌گردید و ماههای رمضان به اتفاق پدرم در مراسم او شرکت می‌کردیم.

در محله شاه‌آباد یک جوان بسیار تنومند و بز ن بهادری بود به نام مهدی حمال که عنوانش حمال بود ولی اصلاً کار حمالی نمی‌کرد و با باج‌گیری و دخالت در کار مردم برای خودش دسته و طرفدارانی درست کرده بود و در مراسم عزاداری و یا جشن‌های محلی همیشه علمدار، مهدی حمال بود.

روزی مردی از مریدان کلباسی به کلباسی شکایت کرد که مهدی حمال در خلوت به پسرش تجاوز کرده و پسر را خونین و مالین ساخته است؛ کلباسی که در جمعی حضور داشت دستور داد که مهدی حمال را بیاورند؛ مهدی را آوردند، کلباسی به او گفت فلانی که مردی متدین است از شما شکایت کرده که به فرزند او تجاوز جنسی کرده‌اید.

مهدی حمال بعد از قدری دعا در حق کلباسی گفت جانم فدای حضرت سیدالشهدا بله دو تا گوشت بهم خورده این دیگر چیست که این آقا مزاحم حضرت‌تعالی شده است. اهل مجلس همه خندیدند و کلباسی به مهدی حمال گفت برو و دیگر از این کارها نکن.

کار کلباسی که در آن زمان در دهان‌ها می‌گشت به مراتب شرافتمندانه‌تر از عمل جمهوری اسلامی خاصه قوه قضائیه است که اینطور شاکیان را سر درگم و در معرض تهدید هم قرار می‌دهد آنهم ۵ سال.

جواب قوه قضایه براساس مبانی اسلام و اختیارات ولی فقیه در مذهب تشیع این است که سعید توسی خدماتی به اسلام و جمهوری اسلامی کرده است، که عمل لواط او بسیار ناچیز است. وانگهی عمل لواط که چیزی از آن بچه‌ها کم نکرده. اگر آبروست که (هیچکس از ما نزد خدا آبرو نداریم. خمینی) و خدا هم کفر افراد را با ترازوی گناه و ثواب می‌سنجد و دوم این که رهبر مالک جان و مال مردم است یعنی ما تحت همه مردم و از جمله این بچه‌هایی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند مانند ما تحت

آقا متعلق به ایشان میماند و صاحب اختیار آن حضرت آقا است و این بدان معناست که آقا حق دارد که سعید توسی را ببخشد و یا حتی به تجدید فعالیت هم تشویق کند و...

از این حکومت بعید نیست که نوجوانان شاکی را بگیرند و اعدام کنند و حاج سعید توسی را رئیس آموزش و پرورش نمایند!

درد دل

ماه گذشته یک بسته پستی داشتیم شامل چند کتاب و نوشته از جناب دکتر مرتضا میرآفتابی که مهر زیادی به ماهنامه بیداری دارد. دکتر مرتضا میرآفتابی فرهنگمدار آتش بجان گرفته‌ای از درد غربت است که دست کور و بی‌انصاف طبیعت نه تنها میهن او بلکه تندرستی را هم از او گرفته است و زبانش که تنها راه درآمدی از کلاسهایش بود از کار انداخته است. دکتر میرآفتابی یکی از پیشگامان فروش چراغ بیداری در بیرون از کشور پس از انقلاب می‌باشد. او با انتشار کتابهایش و انتشار مجله سیمرخ در این سالهای تبعید همواره با یک زندگی بسیار ساده و سخت روزگار گذرانده است و از بد حادثه در این راه فرهنگی هست و نیست خود را به همراه تندرستی خود از دست داد، مقدار زیادی روی انتشار ماهنامه سیمرخ بدهکار شد، خانه‌ی قفس مانند کوچکش را هم که یک آپارتمان دو اتاق خوابه بود بانک به غارت برد. با فروش کتابهایش که جایی هم برای نگهداری آنها نداشت چند ماهی اجاره‌نشین گردید و شنیدم که باید مکان فعلی‌اش را هم تا چند روز دیگر ترک کند! تفو بر تو ای چرخ گردون تفو، مردی که تمام عمرش را سر در کتب داشته تا معرفت‌های درون آنها را به جامعه انتقال دهد اینک در میان ثروتمندترین ایرانیان که در محله و شهر او زندگی شاهانه‌ای دارند به چنین روزگار سختی دچار شده است و کسی به فکر او نیست. عاقبت کار فرهنگی در میان ایرانیان، این هم میهن‌نازنین ما همواره همین گونه بوده است. نویسندگان بیداری هم کم و بیش وضع دکتر میرآفتابی را دارند. و این در حال و در جایی است که ایرانی‌ها یکی از ثروتمندترین مهاجرین در آمریکا می‌باشند. به احتمال زیاد دکتر میرآفتابی از نوشتن این مطالب خوشحال نخواهد شد و چه بسا از ما دلگیر هم بشود. اما این تنها کاری بود که از دست ناتوان ما برمی‌آمد، بقول معروف شرح ماوقع دادیم که خیلی‌ها نگویند ما که نمی‌دانستیم.

حتماً از نوشته‌های ایشان بهره خواهیم گرفت. برایش آرزوی تندرستی و داشتن سرپناهی در این روزگار سخت کھولت داریم. مصیبت بود پیری و.....

از مثنوی هفتاد من کاغذ سراسر خرافات!

۵- مولانا داستان را چنان ساخته که گویا مردی نامه رسان از سوی کسی نامه‌ای برای اربابی می‌برد و بین او و ارباب باب گفتگو می‌شود. او گویا از طبیعت شیر گرسنه به کل بی‌خبر بوده است.

پس داستان جناب مولانا از بیخ و بُن غلط است. دروغش به کنار زیرا تمام داستانها در همه احوال ۹۰٪ شان دروغند.

خوب این داستانهای بی مزه و خنک که سراسر مثنوی را انباشته است، چه نتیجه علمی و فلسفی دارد؟ وقتی کارهای انجام شده که محیرالعقول و ناممکن و غیر قابل قبول است، خواننده چه بهره‌ای از این گونه دروغ‌های مسلم خواهد گرفت؟ این داستانها عیناً همانند حکایاتی است که پیرهای خانواده و مادر بزرگان ما در بچگی زیر کرسی برای ما سرهم می‌کردند و ما نیز باور داشتیم اما از همه مضحکتر در این داستان بی مایه جواب خرگوش به نخجیران یعنی هنگام بازگشت به سوی دیگر حیوانات جنگل است که گشتن شیر را قبول ندارند و می‌خواهند او را طعنه زنند:

گفت ای یاران حقم الهام داد مرضیعی را قوی رایبی فتاد
آنچه حق آموخت مر زنبور را آن نباشد شیر را و گور را
خانه ها سازد پُر از حلوای تر حق بر او آن علم را بگشاد در
آنچه حق آموخت کرم پیله را هیچ پیلی داند آن گون حیل را؟
آدم خاکی ز حق آموخت علم تا به هفتم آسمان افروخت علم
این ابیات منظوم و سست برای آن زمان شاید شگفت‌انگیز نبوده است چون عامه مردم بی سواد بودند و مراد و مرشدی مانند مولانا را به جای پیامبر برای خود ساخته بودند. اما آیا در چنین دور و زمانی این مهملات جفنگ تلقی نمی‌شود؟ خرگوش به دیگر جانوران می‌گوید: ای یاران خدا به من الهام داد که آن کار را با شیر بکنم بنگرید این خدای الله پرستان تا چه حد کوچک و بی‌مایه است که به خرگوش نیز مانند پیامبران الهام می‌فرستد. خرگوش با چه کلامی با این همه حیوان در جنگل سخن می‌گفته که همه فهمیدند؟ کارهای کرم ابریشم و زنبور عسل را به الله نسبت دادند؛ و خدا به خرگوش همانند پیامبران دروغین الهام فرستاده است که آن بلا را سر شیر بیاورد، مهمل نیست؟ جفنگ در این ^{کتاب} چنان فراوان که از شمار بیرون است. می‌گوید کار کرم ابریشم را فیل با آن بزرگی نمی‌تواند انجام دهد! جل الخالق مولانا....

آیا علم را به آدمی خدا می‌آموزد یا اندیشه و تلاش و تحقیق خودش؟ دانش حاصل زحمات خود انسان است و ربطی به ماوراء الطبیعت ندارد. تعصب بدبختانه راه خرد را سد می‌کند.

در همین دفتر نخست پس از آن دروغ‌ها که سرهم کرده بود و در بالا به آن اشاره کردم، داستان خرگوشی را می‌آورد که سر شیر جنگل کلاه می‌گذارد؛ که کل داستان جدا از دروغ بودن آن نوعی اندیشه‌ی مهمل است. در جنگل حیوانات زیادی همراه شیری زندگی می‌کنند و شیر هر روز با حمله یکی از این حیوانات را می‌گیرد و می‌خورد. بقیه هر روز باید در هراس و تنگنا به هر سو بدوند و خود را نجات دهند. پس جمع می‌شوند و تصمیم می‌گیرند که هر روز قرعه بیندازند و قرعه به هر حیوانی اصابت کرد او برای تغذیه پیش شیر برود و خورده شود. وقتی قرعه به خرگوش می‌خورد، او تصمیم می‌گیرد سر شیر کلاه بگذارد و او را نابود کند. پس کمی در رفتن تأمل و تأخیر می‌کند تا شیر گرسنه و عصبانی شود.

اما مسخره اینجاست وقتی خرگوش به شیر می‌رسد، شیر به جای اینکه همچنان که طبیعت تمام گوشتخواران گرسنه است، به او حمله کند و او را بخورد؛ شیر و خرگوش شروع به سخنرانی می‌کنند. شیر پرسان که چرا دیر آمدی؟ و خرگوش مدتی سخن می‌گوید که من حامل خرگوشی دیگر بودم و توی راه شیری دیگر به من رسید و او را از چنگال من درآورد. گفت سلطان این ناحیه منم و این به من می‌رسد. شیر می‌پرسد کجاست آن شیر تا حقم را از او پس بگیرم. درست مثل این که ارباب و نوکرش با هم درد دل می‌کنند.... سرانجام شیر را بر سرچاه آبی می‌برد و خود جلو شیر می‌ایستد و تصویر شیر و خودش را در آب به شیر نشان می‌دهد و می‌گوید این همان شیر است و آن هم خرگوش. شیر هم در چاه می‌جهد و در آب غرق می‌شود و به زعم آخوند مولانا، حیوانات جنگل از دست یک خونخوار خلاص می‌شوند. چقدر این داستان خنک و بی‌ارزش است در توصیف نگنجد زیرا:

۱- به یقین شیر همان لحظه دیدن خرگوش باید او را لقمه چپش می‌کرد. زیرا این طبیعت گوشت خواران گرسنه است.

۲- شیر بسیار از خرگوش از لحاظ شعور برتر است و گول چنین لاطائلات یک خرگوش را نمی‌خورد.

۳- شیر و خرگوش با چه زبانی با هم حرف می‌زدند؟ دو حیوان بسیار متفاوت از هم؛ و در عین حال دشمن چگونه با هم سخن می‌گفتند؟

۴- یک شیر با گوشت یک خرگوش کوچک که یک کیلو گوشت لخم هم ندارد چگونه می‌تواند ۲۴ ساعت رفع گرسنگی کند؟ زیرا شیر استخوان نمی‌خورد و تنها خون و گوشت لخم میل می‌کند.

نامه‌های وارده

* آقای مهدی - ب با خطی بسیار زیبا نوشته‌اند - با سپاس فراوان از اینکه نشریه به معنی واقعی کلمه در بیداری ایرانیان نقش مهمی بر عهده گرفته و در افکار جمعی بسیاری از مردم تغییراتی بوجود آورده است که باورکردنی نیست. متأسفانه این نشریه گهگاه و به صورت نامرتب منتشر می‌شود و دوستداران آن همیشه چشم به‌انتظار آنند. به جهت یاری به انتشار آن چک نا قابل (۵۰ دلار) پیوست می‌گردد.

بیداری - از نامه دلگرم‌کننده شما در مورد اثرگذاری این نشریه کوچک در جامعه بزرگ ایرانی سپاسگزاریم در مورد دیر و زود شدن انتشار هیچکس از خود ما بیشتر ناراحت نیست، هفته‌ها می‌شود که نشریه آماده است چون هزینه چاپ نداریم یا کم است و باید آنقدر چشم براه باشیم تا مشترکین ما مانند شما به یاری بیایند. هزینه پست بویژه برای اروپا و حتا کانادا بسیار بالا رفته، اضافه کنید گرانتر شدن چاپ و دستمزد سازمانی که بیداری‌ها را آماده‌ی برای پست میکند و غیره. نویسندگان بیداری نه تنها پولی برای زحمتی که می‌کشند نمی‌گیرند که کسانی مانند آقای مینویی و مهرآسا و خود من «لشگری» هر ماه مبلغی هم باید بریاری‌های شما اضافه کنیم تا هفتاد هشتاد درصد هزینه‌ها تامین شود، و همیشه هم به چاپخانه بدهکار هستیم. بهر حال تا نفس داریم و تا روزمرگ سعی داریم این کار را انجام دهیم و عمر خود را به بطالت و تماشا نگذرانیم. سپاس بیکران از چندتن انگشت شماری که همراه کمک می‌کنند که این نشریه چاپ شود. آرزوی ما این است که روزی نام و نشان این عده فداکار را به همه مردم ایران معرفی کرده و از آنها تجلیل کنیم.

* فراخوان شما را راجع به جایگزینی سوگ سیاوشان با عاشورای خمینی خواندم عالی بود، اما من چگونه از مزه قیمه پلوی نذری دست بکشم!!

* به‌تنها چیزی که ما ملت ایران ایمان نداریم فرهنگ ایران است، ملتی که نام خیابانش را از کورش به توحید برمی‌گردانند و صدا از کسی در نمی‌آید، و یا مردمی که پس از تغییر نام خیابانهای حافظ و سعدی و رودگی و فردوسی و مانند این‌ها به‌الحسینی الهاشمی - داعی‌الله - فدک - والفجر و سجاده‌ی هیچ نمی‌گویند. در تمام کشورهای عربی نام یک خیابان از ایران را ندارند!

* من با شرایط «همه‌اش سکس در بهشت» حال نمی‌کنم و خوشم نمی‌آید - آیا خدا می‌تواند برای من بهشتی درست کند که فقط مسابقات فوتبال باشد و دو میدانی؟
جواد

* اللهم صل علی محمد و آل محمد! روزی بیشتر از پانصد میلیون بار صلوات فرستاده می‌شود و یک نفر بخودش نمی‌گوید، محمد که اصلاً پسر نداشت تا آل داشته باشد! حسین رحیمی
* داستان ساختگی جهنم و الله شبیه آن است که یک نقاش بهترین اثر نقاشی زندگی‌اش را به درون آتش پرت کند که بسوزد! آیا این نقاش دیوانه نیست؟
* من و دوستم یک سفر رفتیم به مصر و اردن و اسرائیل - در مصر فقر بیداد می‌کند - هرکس خارجی را ببیند می‌خواهد تورگاید او شود تا یکی دو دلار بگیرند رهایتان نمی‌کنند - در قاهره یک پیاده رو سالم نیست همه از وسط خیابانها راه می‌روند. در اسرائیل دو نوع زندگی می‌بینید، زندگی اسرائیلی یا زندگی عربی فلسطینی، اسرائیل به بهشتی می‌ماند که در کنارش مردم فلسطینی در جهنم غم‌انگیزی زندگی می‌کنند، جوانان فلسطینی همه بیکار و در حال الله اکبر گفتن هستند و شاهد زندگی خوب مردم اسرائیل، نخستین وظیفه دولت آمریکا برای تمام شدن اختلاف و جنگ و انجام صلح بین اسرائیل و فلسطینی رسیدن به وضع فلسطینی‌هاست که بخودی خود توانایی پیشرفت ندارند، برای یک اسرائیل امن و راحت، نیاز به یک فلسطین آرام است که آنها هم در یک رفاه نسبی باشند آمریکا باید به فلسطینی‌ها هم کمک کند تا این موازنه بهشت و جهنم کمی تغییر کند. دین‌ها در این مناطق مردم را از هم جدا کرده‌اند، شاید با پول و رفاه بتوان صلح و آرامش را به منطقه بازگرداند. علی - تارزانا

چرا باید ایران را از چنگ اسلام بیرون آورد

حفظ ایران به‌هزاران دلیل یک افتخار تاریخی برای هر ایرانی است. آیا می‌دانید ایران چندمین کشور قدیمی جهان است؟ هندوستان ۳۲۲ سال پیش از میلاد مسیح شد هندوستان. یونان ۳۲۷ و ژاپن ۶۶۰ سال پیش از میلاد بوجود آمدند. سوریه ۸۵۰ سال، ارمنستان ۸۵۸ سال، گرجستان ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در جهان شناخته شدند. چین ۲۰۷۰ سال پیش از میلاد ظهور می‌کند. گره، شامل جنوبی و شمالی آن بسیار قدیمی هستند آنها اکنون ۲۳۳۳ سال دارند و از اینکه ۲۶۰ سال عمر کشورشان از چین بیشتر است همیشه به آن افتخار می‌کنند. سرانجام مصر با ۳۵۰۰ سال قدمت پیش از میلاد مسیح و در ته جدول، ایران گرامی ما با ۳۹۰۰ سال تاریخ پیش از میلاد کهنسال‌ترین کشور جهان است. آیا نباید چنین خاک گرانبهایی را به‌بهترین شکل نگهداری کنیم و دهان کسانی را که از تجزیه آن سخن می‌گویند ببندیم و با بیرون انداختن اسلام از این خاک به نیروی فرهنگ خویش در آبادانی‌اش بکوشیم؟

Thinking points for Iranian youth

"Children are not a gift from God. They are a gift made from the love two people share.

A mother sacrifices her body for this beautiful gift.

Stop giving God all the credit for a mothers hard work and Sacrifices to have a healthy child."

Jennifer Hines-ophee

خواننده گرامی با یک تلفن بیداری را مانند دیگران با پست دریافت کنید تا همه ی شماره های بیداری را داشته باشید.
(858) 320-0013

جلد چهارم خردنامه بیداری (حاوی ۲۰ شماره بیداری) را بخواهید تا فوری به آدرس شما فرستاده شود.

راه تماس با ما 858-320-0013
bidari2@Hotmail.com

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

چرخ پنجم های رژیم

هیچ گروه و دسته ای در ایران، در برابر ستمکاری جمهوری اسلامی نسبت به مردم و بانوان، زیون تر از ورزشکاران و هنرمندان عمل نکرده است. آب حوضی ها و روفتگرها همه به ناهنجاریهای حکومتی اعتراض کرده و می کنند اما تاکنون یک ورزشکار جلوی رژیم نه ایستاده و به زندان نرفته است. خصلت ورزشکاری در هیچ کدام از ورزشکاران ایران وجود ندارد. بدترین توهین ها و زورگویی ها به زنان و ورزشکاران زن می شود هیچ ورزشکار مردی اعتراض نمی کند. و در همه کشورها هنرمندان در صف نخست معترضین به دولت ها هستند، در ایران هنرمندان ما بدتر از ورزشکاران مخلص و نوکر روضه خوانها شده اند و از غرور هنرمندی در آنها ذره ای دیده نمی شود. بر روی هر گروهی می شود تکیه کرد جز این دو گروه فرصت طلب دستمال بدست.

در زمان شاه ورزشکارها یا مجاهد بودند یا توده ای و فدایی، امروز چه؟ ذوب ولایت!

Prstl Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
تبداری
P.O. BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A